

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: نهم - پاییز ۱۳۹۰
از صفحه ۱۱ تا ۲۸

آموزه‌های تعلیمی در منظومه غنایی محب و محبوب*

دکتر احمدرضا یلمه‌ها^۱
دانشیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دهقان

چکیده :

شعر تعلیمی، یکی از گسترده‌ترین و دراز آهنگ‌ترین انواع شعری ادب فارسی است. اشعار و آثار تعلیمی گاهی به صورت مستقل و جداگانه است همانند منظومه‌ها و داستان‌ها و قطعاتی که منحصرأ به تعلیم و پند و حکمت و اخلاق می‌پردازد و گاهی هم در میان دیگر آثار ادبی پراکنده است. بدان گونه که گاهی مفاهیم و مضامین اخلاقی، حکمی، مذهبی و پندیات در منظومه‌های غنایی و حتی حماسی و یا قصاید مدحی به کار رفته که نه تنها جنبه شاعرانه این قبیل آثار را کم نمی‌کند بلکه با شور و احساس خاصی باعث جذابیت این قبیل آثار می‌گردد. یکی از منظومه‌های غنایی ناشناخته ادب فارسی (که آن را می‌توان طولانی‌ترین ده نامه ادب فارسی به حساب آورد و تا کنون مورد غفلت واقع گردیده) منظومه محب و محبوب است که یکی از آثار نفیس متعلق به قرن هشتم هجری است که در قالب مثنوی در شرح عشق و عاشقی به شیوه ده نامه‌های ادب فارسی سروده شده و تاکنون به زیور چاپ آراسته نگردیده است. در این مثنوی غنایی، مضامین و معانی تعلیمی و حکمی فراوانی موجود است که شاعر به اقتضای زمینه انفعالی و ذوقی در جای جای این داستان عاشقانه به کار برده است. این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار به مایه‌ها و زمینه‌های تعلیمی و اخلاقی در این منظومه غنایی بپردازد.

کلید واژه‌ها: شعر فارسی، ادب غنایی، ادبیات تعلیمی، ده نامه، محب و محبوب.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۵

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۸

^۱ - پست الکترونیکی: ayalameha@yahoo.com

مقدمه:

شعر تعلیمی، شعری است که هدف سراینده در سرودن آن، تشریح و تبیین مسایل اخلاقی و اندیشه‌های مذهبی، حکمی و مضامین پندگونه است. شعری که به معنی خاص، عقیده‌ای را عرضه کرده و یا نکته‌ای را می‌آموزد. این نوع از آثار به دو دسته تقسیم می‌گردد:

۱- گونه‌ای که صرفاً جنبه تعلیمی داشته و نمی‌توان آن را از لحاظ هنری و جنبه خیال‌انگیزی، پرمایه و قوی دانست. به گونه‌ای که شاعر این نوع از شعر را در آموزش مسایل علوم مختلف استفاده کرده و قصدش تعلیم فن خاصی از فنون و علوم گوناگون است. منظومه‌هایی که منحصرأ به علوم پزشکی، ریاضی، لغت و تاریخ اختصاص دارد از این قبیل‌اند. از جمله دانش‌نامه میسری (تألیف سال ۳۷۰ - ۳۶۷ هـ. ق) در طب و نصاب‌الصبیان ابونصر فراهی (ف ۶۱۸ هـ ق) در علوم ادبی (همچون لغت و عروض) و الفیه ابن مالک در آموزش صرف و نحو عرب، منظومه حاج ملاهادی در باب فلسفه، نورالانوار از بحر الاسرار مظفر علی‌شاه کرمانی در علم کیمیا و ...

۲- علاوه بر منظومه‌ها و آثاری که صرفاً جنبه تعلیمی دارد و مختص به علم و یا فنی از علوم است، گونه‌ای دیگر از ادب تعلیمی وجود دارد که جنبه هنری آن بسیار قوی‌تر و دل‌کش‌تر است و یکی از مهم‌ترین انواع و اقسام شعر فارسی است. بدین مفهوم «شعر تعلیمی یکی از دراز دامن‌ترین و گسترده‌ترین اقسام شعر و ادبیات ماست و ما در این زمینه شاه‌کارهایی چون بوستان، مخزن‌الاسرار، مثنوی، حدیقه و اشعار بهار و پروین داریم. علت آن نیز آن است که ما ادبیات نمایشی که بسیاری از مسایل اخلاقی و روان‌شناسی را در بر می‌گیرد و خود نوعی ادبیات تعلیمی است، نداریم و شاعران ما مسایل اخلاقی و روان‌شناسی و اجتماعی را به صورت آثار تعلیمی غیر نمایشی بیان کرده‌اند. به این سبب ادبیات تعلیمی ما که بسیاری از موضوعات و مسایل ادبیات نمایشی را هم در بر می‌گیرد، شاید از ادب تعلیمی غرب وسیع‌تر باشد». (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۷۴).

بر این اساس بدیهی است که این نوع از آثار ادبی را که قلمرو بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد نباید همچون شاخه اول، تنها نظم محسوب کرد. بلکه از آنجا که سرشار از آموزه‌های اخلاقی است آن هم مبتنی بر اصول ادبی، باید آنها را مستقیماً جزو آثار ادبی محسوب کرد. آثاری که با شور و احساس شخصی شاعر نسبت به مسایل اخلاقی و تعلیمی و اجتماعی و عرفانی و مذهبی همراه است.

با وجود آن‌که مایه‌ها و مضامین ادب تعلیمی در نخستین اشعار شاعران فارسی موجود و مشهود است و یکی از نخستین شاعرانی که به این نوع شعر توجه خاص نمود و قطعات فراوانی از وعظ و حکمت در اشعار او وجود دارد رودکی است، ولیکن توجه به مضامین حکمی و زهد و نصایح و مواعظ از بعد از قرن پنجم هجری در مکتب درون‌نگری اوج و قوت گرفت. «شاعر درون‌گرای این عهد چنین به نظر می‌رسد که خود را در برابر جامعه به اقتضای زمان متعهد می‌پندارد. زیرا در هر مورد زبان به موعظه می‌گشاید و در برابر هر واقعه و حادثه‌ای پند می‌دهد. تا آنجا که صحنه‌های عشق دل‌دادگان نیز گاه به منبر و وعظ می‌انجامد و کلام دل‌باختگان تمام نشده، اندرز آغاز می‌گردد و برای هر نکته اخلاقی، حکایتی و تمثیلی خلق می‌شود». (شجیعی، ۱۳۶۲: ۱۹۲).

از اوایل قرن ششم هجری سنایی غزنوی باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیمانه و عارفانه باز می‌کند. وی مفاهیم و معانی حکیمانه و عارفانه را با اندرز و نصیحت در هم آمیخته و وارد آثار خود به خصوص مثنوی‌های خویش می‌کند. موفقیت وی در اشعار موعظه‌گونه و حکیمانه باعث می‌گردد تا در اواخر قرن ششم، اشعار موعظه و تحقیق وی مورد استقبال گروه زیادی از شاعران از جمله جمال‌الدین اصفهانی، قوامی رازی، خاقانی شروانی، نظامی و انوری واقع گردد. پس از آن نیز در قرن هفتم هجری، بزرگ‌ترین شاعر اخلاقی و اجتماعی ایران، سعدی شیرازی که آثار وی مشحون از پندیات و نصایح و مواعظ است، ظهور می‌کند و تا آنجا توفیق می‌یابد که آثار او مدت‌ها مورد تقلید و پیروی استادان سخن قرار می‌گیرد. چنانکه بیان گردید

مواعظ و نصایح و معانی ادب تعلیمی در گونه‌ها و قالب‌های گوناگون شعر فارسی بروز و نمود پیدا می‌کند و مختص به نوع خاصی از قالب شعری نیست. یکی از جلوه‌گاه‌های مضامین پندگونه و تعلیمی، ادبیات غنایی و به خصوص منظومه‌های عاشقانه است که به حقیقت آنها را باید به گونه‌ای منظومه‌های غنایی - تعلیمی به حساب آورد. یکی از منظومه‌های ناشناخته، منظومه نفیس و منحصر به فردی است با نام محب و محبوب که یگانه نسخه خطی آن که مشتمل است بر بیش از سه هزار و پانصد بیت در ۳۵۳ صفحه، متعلق است به کتاب‌خانه توپینگن برلین و فیلمی از آن در کتاب‌خانه شخصی مجتبی مینوی نگه‌داری می‌شود. این منظومه به شیوه ده‌نامه سرایی (که از انواع معمول ادب فارسی است) در قالب مثنوی در شرح عشق و عاشقی سروده شده است. این نوع ادبی که از مقوله تغزل و تغنی است و به منظور بیان عواطف و احساسات عاشق و متقابلاً ناز و استغنا می‌شود، در قرن هشتم هجری رواج فراوانی یافت. این منظومه‌ها با آرایشی خاص و با هدف بیان نکات و ظرایف ادبی در ده‌نامه که پنج‌نامه آن از سوی عاشق به معشوق و پنج‌نامه از معشوق در پاسخ‌نامه‌های عاشق است، سروده می‌شود. در متن نامه عاشق دل‌داده، درد عاشقی خود را به معشوق بازگو می‌کند و معشوق نیز با ناز و استغنا با سن‌گدلی هرچه تمام‌تر پاسخ خود را به معشوق می‌دهد. سرانجام در نتیجه پایداری‌های فراوان عاشق، معشوق به سر مهر آمده و عاشق را لایق عشق می‌داند و او را در عشق می‌پذیرد. هر کدام از این ده‌نامه، مدّیل به غزلی است با همان وزن منظومه که از لحاظ قافیه غزل محسوب می‌گردد و با مثنوی بعد از خود پیوستگی تام دارد. پس از چند بیت مثنوی، حکایتی نقل می‌گردد که مؤید ابیات آخر مثنوی است. بعد از حکایت، ابیاتی در تأیید مطلب حکایت، تحت عنوان حقیقت سخن و یا مصدوقه حال می‌آید و نامه تمام می‌شود و سپس موضوع اعزام پیک پیش می‌آید و فرستنده نامه پس از انتخاب پیک، ابیاتی در وصف پیک می‌گوید و شیوه ارسال نامه را به او یادآور می‌شود. مخاطب نامه نیز به محض خواندن نامه، بازتاب حالات خویش را به پیک

آشکار ساخته و مطالبی تحت عنوان خلاصه سخن بیان کرده و بر سر نوشتن پاسخ می‌رود. بدین ترتیب هر کدام از بخش‌های دیگر این ده نامه با همین سیاق و ترتیب، متناسب با مضامین و حالات مختلف پیش می‌رود.

بررسی و تحلیل :

منظومه محب و محبوب با تحمیدیه‌ای در ستایش باری تعالی سروده می‌شود بدین وصف :

به نام خداوند کون و مکان که ذاتش مبراست از جسم و جان

نسخه خطی، منظومه محب و محبوب، ص ۱

به دنبال آن به نعت خاتم انبیاء، محمد مصطفی (ص) در شانزده بیت می‌پردازد:

نبی الوری خاتم الانبیا شفیع الامم شمع جمع صفا

پس از نعت رسول و بیان یکی از معجزات وی، به مدح پادشاه عالم، شاه شجاع که این منظومه به نام وی سروده شده، می‌پردازد. در اثنای مدح وی سراینده بیان می‌دارد که در خلوتی با اهل دل، سخن از سخن گفتن به میان آمد و دل از وی درخواست تا منظومه‌ای در باب عشق بسراید:

ز ناگه دری از سخن باز شد سخن از سخن گفتن آغاز شد

چنان صحبتی از سخن در گرفت که یکباره غم‌ها ز دل برگرفت

چو بشنید دل این سخن در زمان گشود از ره مهربانی زبان

ز حیرت به من گفت کای اختیار چرا بسته‌ای دم ، زبان را برآر

تو هم تحفه‌ای ساز در باب عشق که فیضی رساند به ارباب عشق

همان نسخه

بدین ترتیب سراینده ناشناس این منظومه، از خود با تخلص اختیار یاد می‌کند و به دنبال آن از ناسازگاری بخت، شکوه کرده و این چنین می‌گوید:

چه حاصل چو طالع مرا یار متاع منش کس خریدار نیست
زرم گرچه پاک است از هر دنس عیاری ندارد بر هیچ کس
ندارم کسی کو شود یار من کند یک زمان گرم بازار من

همان

سراینده به دنبال آن سبب نظم کتاب را بیان داشته و می‌گوید که باری در نزد ارباب فن، بحث از سخن گستری و کشف و وصاف و معانی و بیان و مقامات بود. یکی از شاه‌نامه، دیگری از ده‌نامه، یکی از لیلی و مجنون و آن دیگری از خسرو و شیرین، منطق‌الطیر، مخزن الاسرار، جمشید و خورشید، گلستان، بوستان، ویس و رامین، گل و بلبل، گل و نوروز سخن می‌گفت. پس از آن، آزاده‌ای نکته‌دان خطاب به سراینده بیان می‌دارد:

که ای اختیار از چه هستی مده فرصت از دست و لختی بکوش
تو را نیز چون هست از این خوان در این بوستان باش چون عندلیب
متأسفانه از آنجا که صفحه (و یا صفحاتی چند) از انجام این منظومه نفیس افتاده ، سراینده این اثر و نیز زمان دقیق تألیف و مدت تألیف و مجموع ابیات این منظومه نامعلوم باقی مانده است .

پندیات در منظومهٔ محب و محبوب:

با وجود آنکه محب و محبوب منظومه‌ای است عاشقانه در شرح دل‌دادگی‌ها و بی‌قراری‌های محب در عشق محبوب ، ولیکن چنانکه بیان گردید مشحون است از مایه‌ها و مفاهیم تعلیمی و اخلاقی که در جای جای این منظومه در قالب تمثیل و حکایتی دل‌نشین بیان شده است. سراینده این اثر در هر جا فرصتی یافته به وعظ و اندرز پرداخته است. این پندها و نصایح و دستورالعمل‌های ارزنده و آموزنده اغلب در پایان داستان‌ها در بیت و یا ابیاتی متوالی بیان گردیده است. از آنجا که شعر تعلیمی موضوعات گوناگون از قبیل اخلاق ، مذهب، سیاست، فنون و غیره را شامل می‌شود،

در این پژوهش به شرح اخلاقیات این منظومه پرداخته می‌شود؛ چراکه مضامین اخلاقی و اخلاقیات، مهم‌ترین نوع اشعار تعلیمی فارسی و عالی‌ترین و جاودانه‌ترین قسم شعر فارسی به حساب می‌آید.

۱- درویش‌نوازی:

چه قدرش شود کم شه تاجور اگر افکند بر گدایی نظر

چگونه شود زر بدان کم عیار که با سیم روزی کنندش شمار

نسخه خطی

و نیز:

کسی کو معزز بود در جهان سزد گر بپرسد ز افتادگان

همان

به چشم حقارت مبین در فقیر که کس نیست واقف ز سر ضمیر

همان

مشو غافل از کار درویش زار که نی خویش دارد نه پیوند و یار

همان

۲- اغتنام فرصت:

سراینده در جای جای این داستان عاشقانه سفارش می‌کند که زندگی این جهان را غنیمت شمارید و عمر را به غفلت نگذارید:

مکن عمر ضایع زمانی به حیف که فرصت عزیز است و الوقت

به بیهوده چون صرف شد روزگار پشیمانی آن دم نیاید به کار

۳- اهمیت راز پوشیدن :

چه خوش گفت آن ناصح نکته‌دان
که با بی‌خرد راز هرگز مگوی
به پندم که پر نور بادش روان
وز ایشان مراد دل خود مجوی

۴- خطاپوشی و خرده نادیدن :

نگیرند خرده بزرگان به خرد
کسانی که والی این خرمند
بسه نادان خطا را نشاید شمرد
نشاید که بر خوشه چین هی زنند
بزرگان پیشینه کوشیده‌اند
خطاهای خردان پوشیده‌اند

۵- اهمیت صبر و شکیبایی :

به هر کار مستیز و منما شتاب
نگردد ز تعجیل کس کامران
به سالی شود قطره در خوشاب
به وقت است موقوف کار جهان

تحمل به هر کار باید نمود
ز تعجیل مردم نبینند سود

ارزش و اهمیت والای صبر و ثبات در جای جای این منظومه بیان گردیده است. در بسیاری از موارد نیز با تمثیل تبیین شده است:

هر آن طفل کو باشدش گریه فن
کند مادرش صبر اندر دهن

۶- لزوم ترک دنیای فریبده:

که هر کس که از معنی‌اش بهره
جهان در نظر خوب چون صورتی
به دنیای دون هرگز او دل نبست
ولیکن به معنی جز این نقش
هر آنکس که دارد ز معنی خبر
به صورت کی از ره رود ای پسر

در بیتی دیگر غرور دنیوی و لزوم ترک آن چنین بیان شده است :

مشو غره بر حسن و بر مال خویش که نتوان همه جای بردن ز پیش

۷- روی نکو با خوی نکو :

مکن همچو خوبان به بیداد خو که نبود بدی از نکویان نکو

نکو خو به جز نیکویی کی کند وگر دیگری بد کند هی کند

۸- دل به هر یار نباید داد :

مبر نام هر نازک خوب روی مرو از پی دلبران کو به کوی

مده خاطر خود به هر مه جبین مکن دیگری را به جایم گزین

به وصل پری پیکران دل منه به پیغام هر یار خاطر مده

۹- دوراندیشی و تأمل در سرانجام امور :

هر آغاز کز ختم و انجم بری است توجه در آن کار ناکردنی است

خوشا وقت آن پر خرد کو ز پیش کند فکر و اندیشه در کار خویش

۱۰- به دنبال هر سختی آسایش است :

قدیم است رسم جهان این چنین که اوّل بود نیش و پس انگبین

کسی شربت آبی ز دنیا نخورد که لب تشنه اول جهانش نکرد

گلی کس نچیده است بی زخم خار بود دایماً بر سر گنج مار

این اندرز حکیمانه از مضامین پر بسامد در این منظومه غنایی است و به صورت‌های گوناگون همراه با حکایات و تمثیل‌ها، در خلال داستان‌ها به کار رفته است:

کسی در شهوار آرد به چنگ	که نبود هراسش ز کام نهنگ
زمانی توان چید گل را ز بار	که رخ برنتابند از زخم خار
سر انگبین خوردنش آن کسی است	که از نیش زنبورش اندیشه نیست
بود کعبه وصل روزی آن	که پیشش مگیلان بود پرنیان

۱۱- ترک دل بستگی :

به هر چیز دل را نباید نهاد در فتنه بر خود نباید گشاید

۱۲- لزوم خوش‌رویی :

به هرزه مکن رو ترش زینهار به تلخی مران بیش از این روزگار

۱۳- نکوهش تلقین :

چو دردی نداری سر خود مبند کز و نیز ناگه بینی گزند

۱۴- اهمیت شادی و خوش‌باشی:

بیا تا به شادی علم برکشیم	قلم بر سر حرف غم درکشیم
زمانی بیاییم از این عمر کام	از آن پیش کز ما نیابند نام

این مضمون به گونه‌های مختلف در این منظومه به کار رفته است:

شب و روز چون عمر ما می‌رود همان به که مان کار شادی بود

و نیز :

قلم بر سر حرف اندوه کش به کام دل آنگاه خوش باش خوش

۱۵- لزوم تسلیم در برابر تقدیر:

مده خاطر خود از این پس به غم
نگردد ز رفته قلم بیش و کم
گرت قسمتی هست یابیش زود
وگر روزیت نیست کوشش چه

۱۶- در بی‌وفایی دنیا:

جهان چون نکرده است با کس وفا
دهی وقت خوش را به ناخوش چرا

چنین است همواره رسم سپهر

که با کس نبندد به پیوند مهر

اگر طالبش باشی و دوستدار

گریزد ز پیش تو لیل و نهار

ورش زان‌که کمتر کنی التفات

سر و پای کوبان دود در قفات

۱۷- نکوهش مردم آزاری:

چو سگ گر دوم هر زمان در کسی

از آن به که آزرده دارم کسی

چو دارم غم مال هر کدخدا

خدا نیز ضایع ندارد مرا

ز دنیا مرا چون‌که نانی بس است

چه کارم به آزدن هرکس است

۱۸- لزوم داشتن پیر و راهنما:

به هر علم استاد باید نخست

که هر کار از استاد گردد درست

۱۹- لزوم وقت‌شناسی:

چو کاری که فردا شود آن تمام

تو امروز جویی خیالی است خام

۲۰- وفای به عهد:

نه مردی است برگشتن از رای خود

اگر خود سرت در سر آن رود

۲۱- نظام زمانه به رای نکوست :

گوش رای نیکو بود زبردست
وگر بهتری را بود رای بد
شود زود بالاش جای نشست
به کوچک‌ترین کس دهد جای خود

۲۲- لزوم هم‌نشینی با اهل رای :

هرآن‌کس که او راست رای رزین
وگر زان‌که رایش نباشد صواب
مجو دوری از او و با او نشین
شب و روز می‌کن از او اجتناب

۲۳- اهمیت بخت و اقبال :

هر آن‌کس که باشد ورا بخت یار
بود بخت سرمایه هر مراد
بود بر همه عالمش افتخار
همه عالم از بخت گردند شاد
به باد فنا بر دهد تاج و تخت
هرآن‌کس که او یاورش نیست

کسی را میسر شود سروری
که او را سعادت کند یآوری

۲۴- تلون روزگار :

دو روزی اگر چرخ ناپایدار
نگردد به کامت ، مکن اضطرار

مرا این پسند آمد از روزگار
که پیوسته او نیست بر یک قرار

۲۵- لزوم همسرگزینی و گریز از تنهایی :

زن و مرد را نیست از هم گزیر
اگر پادشاه است و گر خود
تو خواهی جوان گیر و خواهی پیر
به تنهایی‌اش کی شود کار راست

دل مرد بی‌زن ندارد حضور چراغ زنش نیست بی‌مرد نور

۲۶- تحمل بلایا و شداید :

هر آن‌کس بود میل سوی کسی بیاید کشیدش ملامت بسی

کسی وصل بیند که هجران کشید نبیند دوا هرکه دردی ندید

۲۷- ترک ظلم و ستم :

برانداز رسم ستم از میان چو خواهی که نامت بود در جهان

مکن خو به بیداد و جور و گزند که از پادشاهان است این ناپسند

۲۸- خرد نادیدن دشمن :

مبین دشمن خرد را نیز خرد که ناگه کند مستی‌اش تیره درد

۲۹- اهمیت شناخت جایگاه افراد :

مفرمای کار بزرگان به خرد که جوهر به مفلس نشاید سپرد

۳۰- دوستی با نیکان :

در دوستی کوب با هرکه هست مکن با بدان اختلاط و نشست

۳۱- ترک تجسس و دخالت در امور دیگران :

چو خواهی که عزت بیفزایدت بر هر کسی سروری بایدت

بد و نیک هر قوم ای نیک‌خو چو بینی مگو و مبین و مجو

چو باشند مردم ز تو در امان یقین ، گوی دولت بری از میان

۳۲- رعیت نوازی :

نخستین رعیت رعایت نمای که تا تاج و تخت بماند به جای
ز ظالم نگه دار مظلوم را به حاکم مکن چیره محکوم را

ز مردم کسی نیک نامی برد که دایم غم کار مردم خورد

۳۳- راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار :

ره راست گیر ای خردمند چست که گر کج روی ره نیابی درست

۳۴- لزوم اندیشیدن در امور :

به هر کار اندیشه باید نخست که بی فکر هر کار ناید درست

هر آن کس که او کار بی فکر کرد بسی غصه کز کرده خویش خورد

۳۵- ترک امور زیان آور :

به چیزی چرا دل نهد هوشمند که از آن نبیند به غیر از گزند

هر آن کس که بیند ز چیزی زیان همان به که کلی کند ترک آن

هر آن چیز کاید دلت زان به درد اگر گنج قارون است گردش مگرد

این اندرز نیز از مضامین پربسامد در این منظومه است و سراینده با توجه به ارتباط با قسمتهای گوناگون داستان، این آموزه اخلاقی را به کرات به کار برده است.

ز کاری که باشد تو را دردسر همان به که گردش نگردي دگر

به کاری که بر دامت گرد غم نشیند، مرو از پیش و کم

۳۶- نکوهش یأس و ناامیدی :

دو روزی گرت گشت خاطر ملول
مده تا توانی ز دست اختیار
به جان کن ز من این نصیحت قبول
که ناگه مرادت دهد کردگار

۳۷- ترک هوس و نفسانیات :

به دیو هوس خویشتن را مده
که هرکس که غولش از این راه برد
ز جاده بسی پای بیرون منه
که و بی‌گهش هم در این راه مرد

بگردان عنان هوا و هوس
کز این نیک‌نامی ندیده است کس

۳۸- لزوم ترک خیالات واهی :

هر آن کس که او هست صاحب کمال
نبندد دل خویشتن در خیال

نشاید خردمند صاحب کمال
از آن رو که آتش چو بالا گرفت
که دل بسته دارد ، به خواب و
نگه تا که کردی به کالا گرفت

۳۹- نکویی و مهربانی :

هر آنکوست مردانه و مرد رنگ
نخواهد کز او یک دل آید به تنگ

نکویی ز هر چیز باید گزید
که باشد بدی از نکویان بعید

۴۰- در ستایش دلجویی :

بجو خاطر اهل فضل و کمال
که تا ملکت ایمن بود از زوال

بازتاب دو پند در یک بیت :

چنانکه بیان گردید منظومه محب و محبوب، آمیخته با مسایل اخلاقی و حکیمانه است و سراینده این داستان در بسیاری از موارد نقش یک معلم اخلاق را ایفا می‌کند. چند نمونه فوق کافی است تا نشان دهد که تا چه حد می‌توان آموزه‌ها و مایه‌های اخلاقی و اندرزیات را در این منظومه ردیابی کرد. نکته افزودنی آن است که در بسیاری از موارد، سراینده داستان به این حد اکتفا نکرده و در تمام ابواب و فصول علم اخلاق وارد شده و اندرزهای تعلیمی خود را در بیتی گنجانده است. بدان گونه که گاهی بیتی در این منظومه غنایی، متضمن دو یا چند نکته اخلاقی و حکیمانه است. فقط برای نمونه به چند بیت از این ابیات اشاره می‌گردد تا مشخص گردد که سراینده چه روان و زیبا از عهده آموزش علم اخلاق بیرون آمده است.

در بیتی ترک هوا و هوس و نیز ملاطفت و مساعدت با دوستان را چنین بیان کرده است :

به باد هوا خود می‌فکن چو بید مگردان ز خود دوستان نا امید

در این بیت لزوم اندیشه در امور و نیز شنودن نصایح دیگران را این چنین تبیین نموده است :

ز هرگونه اندیشه باید نمود ولی پند هرکس بیاید شنود

اهمیت و ارزش سازگاری بخت و نیز نیکی و احترام در این بیت :

کند بخت را مرد و زن نیک‌نام نکویی است سرمایه احترام

لزوم راز پوشی و اکتساب نیکویی، توأمان در این بیت:

به بدگوه‌ران راز هرگز مگوی نکویی جز از پیش نیکان مجوی

ترک غیبت و کسب نیکی در این بیت:

تو هم تا توانی بد کس مگوی به غیر از نکویی به هرکس مجوی

درویش‌نوازی و ناشنیدن پند هرکس :

ز احوال درویش غافل مشو به گفتار هرکس به هرزه مرو

سراینده در این بیت توصیه می‌کند که نباید به ناهلان تکیه کرد و در کنار آن گوشزد می‌کند که به غم دیگران (حتی دشمنان) نباید دل شاد شد:

به ناهل هرگز مکن اعتماد به اموات اعدا مشو هیچ شاد

نتیجه :

از مجموع آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که:

- ۱- شعر تعلیمی شعری است که قصد اصلی سراینده آن، تعلیم اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی و نیز تبیین و تفهیم آموزه‌های اخلاقی و پندگونه است.
- ۲- آثار تعلیمی گاهی به صورت مستقل و خاص، محدود و منحصر به موضوع علمی خاص و یا فنی از فنون مختلف علوم است و گاهی در میان انواع و آثار دیگر ادبی همچون منظومه‌های غنایی و حماسی و حتی قصاید درباری پراکنده است.
- ۳- یکی از جلوه‌گاه‌های مهم، جهت بیان مواضع، نصایح و بن‌مایه‌های اندرزگونه و اخلاقی در شعر فارسی، منظومه‌های غنایی و عاشقانه است و این گونه اشعار غنایی - تعلیمی از جذابیت و تأثیر فراوانی برخوردار است.
- ۴- منظومه محب و محبوب از آثار غنایی فراموش شده قرن هشتم هجری است که با وجود آنکه به شیوه ده نامه‌های ادب فارسی در شرح عشق و عاشقی سروده گردیده و جزء منظومه‌های حکمی و اخلاقی نیست، ولیکن از جهت اشتغال بر آموزه‌ها و بن‌مایه‌های حکمی و اخلاقی در نوع خود بی‌نظیر است.
- ۵- جاودانه‌ترین و عالی‌ترین نوع اشعار فارسی که خوش‌بختانه در شاخه‌های گوناگون ادب فارسی به اشکال مختلف بیان گردیده، اشعار تعلیمی است.

کتاب‌نامه (فهرست منابع و مآخذ):

- ۱- اسلامی اندوشن، محمدعلی، ۱۳۷۰، جام جهان بین، تهران: جامی.
- ۲- باقری، مه‌ری، ۱۳۸۸، ده‌نامه روح‌العاشقین، تهران: قطره.
- ۳- _____، ۱۳۵۷، روح‌العاشقین، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز.
- ۴- خان محمدی، علی‌اکبر، ۱۳۷۸، ده‌نامه سرایی، نشریه گلچرخ، شماره ۲۱، اردیبهشت و خرداد.
- ۵- دانش پژوه، محمدتقی و ایرج افشار، ۱۳۷۴، فهرست‌واره کتاب‌خانه مجتبی‌مینوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- رزمجو، حسین، ۱۳۷۰، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۷- رستگار فسایی، منصور، ۱۳۷۳، انواع شعر فارسی، شیراز: نوید.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۲، شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، تهران: علمی.
- ۹- شجیعی، پوران، ۱۳۶۲، صور معانی شعر فارسی در مکتب درون‌نگری، تهران: زوآر.
- ۱۰- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۳، انواع ادبی، تهران: فردوس.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۳، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوس.
- ۱۲- عیوضی، رشید، ۱۳۵۴، ده‌نامه‌گویی در ادب پارسی و ده‌نامه حریری، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره مسلسل ۱۱۶.
- ۱۳- فدایی، غلام‌رضا، ۱۳۸۶، آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، تهران: سمت.
- ۱۴- فرشیدورد، خسرو، ۱۳۷۳، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- مشرف، مریم، ۱۳۸۹، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- مؤتمن، زین‌العابدین، ۱۳۶۴، شعر و ادب فارسی، تهران: زرین.
- ۱۷- یلمه‌ها، احمدرضا، ۱۳۸۹، میراث روزهای خستگی، دهقان: دانشگاه آزاد اسلامی.